



۲۰۱۴/۶/۲۶



م، نعیم بارز

## جائیکه پای منطق بلنگد زبان گزنده تیز می شود.

### محترم آقای عارف حامی!

اگر غلظت انتقام جویی در منتقد تا این اندازه بلند باشد که بخواهد مخالف خود را به هر قیمتی به زعم خود خوار و زبون نماید، عقده بی درمان است که جایی برای بحث و گفت و گو باقی نمی ماند.

من یکبار دیگر وارد بحث نکته به نکته نمی شوم چون دریافتم که در اینگونه جر و بحث ها نه سودی برای خود می بینم و نه برای خوانندگان محترم، اگر قصد شما از اصل مسایل طرفه رفتن و وارونه جلوه دادن نبود، حد قل می دانستید که من حامی داکتر عبدالله عبدالله نبوده ام، من در انتخابات سال ۲۰۰۹ و در همین چند ماه قبل عبدالله را بونده «بگیل» نام داده ام. از طرفی به این اسم و تخلص شما شک دارم زیرا به این سبک نوشته و نشانی گک از کسی دارم که خلاف دیگران کلمه «بدون» را همواره «بیدون» می نویسد. در یک جمله ادامه این نوع بحث ها و تحقیر و توهین همدیگر ضیاع وقت همدیگر است، زیرا درین فرصتی که مدعیان میراث خواران جنگ و جهاد دنباله روان کور کورانه شان را برای تهدید به سرک ها می کشند و از جانبی در این شب و روز هزاران طالب در چند ولسوالی ولایت هلمند با نیروهای پولیس و اردو وارد جنگ هستند و هر لحظه خون اطفال معصوم و مردم بی گناه می ریزد چه مضحک است که ما با نشان دادن لفاظی های خود به تحقیر همدیگر بپردازیم.

متأسفانه در سراسر دوره های حساس و بحرانی سیاست در جامعه ما تحریک و اغوای عوام بوده و هر آن در میان مردم تخم کینه و نفرت پاشیده شده و در چنین اوضاع به هر شکلی فاضل مابی رنگ می بازد. در مورد داکتر اشرف غنی احمدی در آغاز انتخابات چنین ابراز نظر نموده ام: اوضاع عینی جامعه بسیار درد آور است که حتی فرد دانشمندی چون اشرف غنی احمدی اگر خواسته باشد به کشور و مردمش خدمت نماید، چاره کار را در این می بیند که اگر به مقام ریاست جمهوری برسد برای رسیدن به آن مقام خود را ناگذیر می بیند که جنرال عبدالرشید دوستم را به حیث معاون اول خود بپذیرد، زیرا به واقعیت راه و چاره دیگر هم نیست چون میدان دار سیاست و قدرت همین جنگسالاران هستند، لذا ناچار باید با بخشی از اینها ساخت تا با بخش دیگری که عقب گراتر و وابسته به دولت های دشمن افغانستان هستند مبارزه کرد.

آقای محترم عارف حامی، شما می توانید در باره هر یک از کاندید ها نظر مرا در بخش آرشیف نویسندگان «پورتال افغان جرمن» ملاحظه فرمائید. بعد به داوری بپردازید.

سطحی نگری و پر مدعایی طوطی وار که می پنداریم در چوکات چند عبارت قالبی کلید های تمامی بن بست ها و رفع بحران ها را بدست داریم. فردیت روشنفکر مابانه ما در سراسر تاریخ ما نه نافی خرافات توده و نه از خود بلکه با توصیف میان تهی مجالی تطهیر اعتقادات و مظهر لطف و تعالی خرافات بوده ایم، نبوغ ما این بوده که با طمطراق گفته ایم ما سه امپراتوری را به زانو در آورده ایم اما هیچگاه متوجه کمبود های خود نشده و راه خروج از جنگ و درگیری ها را نیافته و به صلح و آرامش نسبتاً دوامدار نرسیده ایم.

زمانی چپی های افغان خود را معضل همه مشکلات اجتماعی می دانستند و همواره به خود این حق را می دادند که ادعا کنند پاسخ هر پرسشی را دارند منتها شرایط مشخص را باید در نظر گرفت، ولی متأسفانه شرایط هم در نظر گرفته نشد و اوضاع بگونه دیگر پیش رفت، و معلوم می شود که هنوز هم گوهر بحث شما همان اندیشه های چپ است و بجای اعتماد سازی به همه کس و همه چیز مهر بطلان می زنید، نه به دیموکراسی نسبی ایالات متحده آمریکا و غرب باور دارید و نه یک نقطه مثبت در کار سیزده سال اخیر دولت افغانستان می بینید، شاید اغراق گویی نباشد که بگویم عصبانیت سیاسی در میان بسیاری از به اصطلاح روشنفکران افغان وجود دارد که گاهی بدل به خصومت و حتی نفرت زهر آگین نسبت بدیگران می شود. مثلاً همین برچسب زدن شما نسبت بمن که گویا حامی داکتر عبدالله هستم اگر به شما معلوم نشده باشد به کسانیکه مرا می شناسند تاحال ثابت شده خواهد بود که نه از آقای کرزی چیزی نصیب من شده و نه از داکتر عبدالله، اگر بخواهید خواست اصلی مرا بدانید همین تعادل نسبی در دولت است نه جنگ، بقیه هر چیز می تواند جای بحث خود را داشته باشد.

پایان

د پانو شمیره: له ۱ تر ۱

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پاڼوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ